

آکسیون مشترک فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق (آمریکا) و عفو بین الملل

لیلا جدیدی

روزیکشنبه ۱۱ ژوئیه، فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با همکاری سازمان عفو بین الملل در محل کنسرت گروه معروف "دیوماتیو بند"، اقدام به برگزاری میز برای جمع آوری امضا کردند. در کنسرت یاد شده که در نسیان پولیان، در ایالت ویرجینا آمریکا برگزار شد، هزاران نفر که اکثر آنان را جوانان تشکیل می دادند، شرکت کرده بودند.

رفقای سازمان به جمع آوری امضا برای حمایت از ۵ مورد فوری و در دست اقدام سازمان عفو بین الملل پرداختند که شامل موارد زیر می باشد: اقدام فوری برای نجات جان آقای ارژنگ داوودی، زندانی رژیم جمهوری اسلامی اقدام فوری برای آزادی دانشجویان زندانی که در اعتراضات ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ دستگیر شده اند. اقدام فوری جهت بررسی و تحقیقات جدی پیرامون شکنجه در زندان ابوغریب و مجازات افرادی که به این جنایت دست زده اند.

اقدام فوری برای خلع سلاح تمامی نیروهای درگیر در هایتی که جان شهروندان را به خطر افکنده اند و پایان بخشیدن به بی قانونی و رعایت حقوق بشر در این کشور. اقدام فوری جهت پایان بخشیدن به نقض حقوق بشر در سودان که توسط ارتش و شبه نظامیان "جان جاویدان" در سودان صورت می گیرد. این عده تاکنون سبب آوارگی یک میلیون انسان و قتل ده هزار نفر از مردم سودان گشته اند.

سازمان چریکهای فدایی خلق و سازمان عفو بین الملل از مردم صلح دوست و آزادیخواه جهان می خواهند که با مراجعه به سایتهای این دو سازمان:

www.iran-nabard.com

www.amnesty.org

اقدام به امضا این اعتراضنامه ها نمایند. نگذاریم صدای احقاق حقوق بشر خاموش بماند!

گردهمایی در حمایت از دانشجویان زندانی ۱۸ تیر

روز جمعه ۹ ژوئیه، یک گردهمایی اعتراضی در شهر واشنگتن دی-سی آمریکا، در برابر دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی با شرکت تعدادی از ایرانیان مقیم این منطقه برگزار شد. این گردهمایی با هدف همبستگی با دانشجویان و مردم ایران در یاد بود ۱۸ تیر صورت گرفت. رفقای سازمان ما در این گردهمایی، اقدام به پخش نشریه انگلیسی ایران-نبرد و اطلاعیه سازمان نمودند.



یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۱۴

به گمان من خوب است که روزی از سال به عنوان روز خواهر تعیین شود تا پسران خانواده با ابراز محبت به خواهر یا خواهران خود، احترام به زن را بهتر بیاموزند. چنین روزی در شرایط کنونی که دختران جوان فشار معیارهای زندگی کش رژیم آخوندی را بیشتر تحمل می کنند، برای بهبود وضع روحی دختران می تواند مفید باشد. انتخاب روزی از ماههای تابستان که با تعطیلات مدارس و دانشگاهها همراه است برای این منظور مناسب تر است. چرا که در تعطیلات تابستانی از همان امکانات محدود تفریحی و ورزشی موجود، مثل استخر رفتن و استفاده از باشگاهها و زمینهای ورزشی پسران بیشتر برخوردار می شوند و دختران بیشتر خانه نشینند و در صورت بیرون رفتن، باز دختران هدف آزار نیروی انتظامی و بسیجیان و حزب اللهیهای شرور به بهانه مبارزه با بدحجابی قرار می گیرند. روزنامه جام جم در اواسط تیرماه از قول رئیس سازمان مددکاری نوشت که ۹۰ درصد جوانان ایران به دلیل بالا بودن نرخ نا امیدی دچار پیری زودرس هستند. وی سازمان ملی جوانان را مورد انتقاد قرار داده بود که هیچ اقدام زیر بنایی برای اوقات فراغت جوانان نکرده و در تخصیص بودجه دچار اشتباه شده است. در رژیمی که تخصص و حرفه اصلی سران و رهبرانش روضه خوانی و ذکر مصیبت و گریاندن مردم به خاطر اتفاقات تاریخی در ۱۴۰۰ سال پیش مربوط به قومی دیگر بوده، و حالا به قدرت تکیه زده و جانی و مردم کش و غارتگر ثروت ملی شده اند، رژیمی که مجلس جشن عروسی و جشن تولد را به هم می ریزد و عروس و داماد یا

شرکت کنندگان در جشن را برای شلاق زدن به پاسگاه پلیس می برد، پیری زودرس جوانان تنها یکی از مصائب بیشمار است که از این رژیم به مردم رسیده است. در مقابل، واکنش جوانان نسبت به این رژیم مرگ اندیش و زندگی سوز با گذشت زمان، خشمگینانه تر و تمایلات ضد حکومت مذهبی در آنان قوی تر می شود. دو سال پیش محسن سازگارا یکی از منتقدان خودی رژیم در پاسخ به سوال ماهنامه گزارش (شماره ۱۳۷ - مرداد ۱۳۸۱) که نظر او را در مورد اینکه جریان سوم چیست پرسیده بود، گفته بود که نسل سوم که در گروه سنی ۱۶ تا ۳۰ سال قرار دارد، با جمعیتی حدود ۱۸ میلیون نفر «اکثریت مطلق کشور است و هر جایی که این نسل برود، مملکت همان جا می رود...» به گواهی تیراژ نشریات [جناههای موجود] و عدد طرفدارانشان در مراسم یا اجتماعات، کاملاً روشن است که نسل سوم مساعدتی نسبت به جناههای موجود در کشور ندارد. یکی از واجبات کشور این است که یک جریان سیاسی متولد شود که بتواند نماینده نسل سوم باشد. وی یاد آور شده بود که «در بحث فعلی این نکته را باید در نظر گرفت که جریان رهبری کننده و بیان کننده خواسته های نسل سوم نمی تواند در میان نیروهای اسلامگرا قرار گیرد بنابراین باید مشخصات تئوریک، و آرمانها و ایده آلهای دیگری داشته باشد». این ارزیابی از گرایش نسل جوان به گمان من واقعبینانه است و رویدادهای ایام سوگواری ماه محرم در شمال تهران در سال گذشته، شاید قسمت نمایان کوه یخ یا تنها توده گدازه کوچکی از آتشفشانی باشد که در اعماق جامعه نهفته است. اعتراضات گوناگونی که در گوشه و کنار کشور هر روز به وقوع می پیوندد و حضور فعال زنان در عرصه های فرهنگی و هنری که تولیداتی الهام گرفته از زندگی عرفی و در موارد متعددی در تقابل با فرهنگ آخوندی دارند، افزایش چشمگیر تعداد دختران دانشجو که اکثرشان از رژیم آخوندی بیزارند، گرایش

زیاد نسل جوان به باز شناسی تاریخ میهن خویش و دل بستگی روز افزون آنان به هویت ایرانی خویش که از جمله در انتخاب نامهای ایرانی از سوی زوجهای جوان برای فرزندانشان می توان آنرا دید، نشان از حتمی بودن جاروشدن رژیم روضه خوانهای اجنبی پرست و رهائی زنان و مردم ایران از این رژیم منحوس در آینده دارد. این دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.

(۱) این مطلب را در کتاب بسیار ارزشمند «از شهریاری آریایی به حکومت الهی سامی» نوشته آقای محمد رضا فشاهی خواندم (صفحه ۲۲۵). این کتاب یک اثر تحقیقی تاریخی و فلسفی و رساله ایست که در آن به تفاوت تفکر فلسفی غربی بر مبنی استدلال عقلی و علمی با منشأ یونانی آن و تفکر اسلامی - شیعی بر مبنی الهیات پرداخته و بر ضرورت انقلاب فلسفی در ایران برای رهایی به دموکراسی و پیشرفت تاکید شده است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۷۹ در خارج کشور توسط نشر باران در سوئد منتشر شده است. مطالعه آنرا به علاقمندان مسائل نظری به ویژه دانشجویان علوم اجتماعی و فلسفه توصیه می کنم.

(۲) - نام رسمی بنگلادش جمهوری خلق بنگلادش است. در منابع اینترنتی، در متن انگلیسی قانون اساسی بنگلادش مذهب رسمی اسلام ذکر شده و در این کشور رئیس جمهوری توسط مجلس انتخاب می شود. مورد شرایط رئیس جمهور شدن شرط مرد بودن ذکر نشده است همچنان که زن بودن در شمار موانع آن، اما یک مورد ضمیر مذکر he برای رئیس جمهور بکار رفته است. در قانون اساسی پاکستان اسم رسمی کشور جمهوری اسلامی پاکستان است و رئیس جمهور توسط نمایندگان مجلس شورا و سنا و مجالس ایالتی انتخاب می شود. در قانون اساسی پاکستان تاکید شده که رئیس جمهور باید مسلمان باشد اما شرط مرد بودن قید نشده است.